

بررسی دلایل مثبت و منفی ورود ورزشکاران به عرصه سیاست

فاطمه اصغری^۱، محمد ابراهیم رزاقی^۲، مرتضی دوستی^۳، قاسم مهرابی^{۴*}

۱- دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی ورزشی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران ۲- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران

۳- عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران، دانشکده تربیت بدنی ۴- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۱/۲۸

Study of positive and negative reasons for athletes entering to politics arena

Fatemeh Asghari¹, Mohammad ebrahim Razzaghi², Morteza Doosti³,
Ghasem Mehrabi^{4*}

1- Ph. D. Student in Sport Management, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran

2- Ph. D. Student in Sport Management, Tehran university 3- Faculty Member, Mazandaran university

4- Ph. D. Student in Sport Management, Tehran university

Received: (2015/01/02) Accepted: (2015/04/17)

Abstract

The objective of this study was to evaluate the positive and negative reasons for athletes to politics. Methods of this study was a descriptive, in terms of data collection was survey. The population consisted of talented athletes to politics (N=250), Therefore, 154 professional athletes that have top condition select as sample. Measuring tools were two given questionnaire (11 questions on positive reason and 7 questions on negative reason), formal and content validity of the tools was confirmed by experts, and tools reliability for positive and negative reasons were obtained using Cronbach's alpha of 0.87, 0.84, respectively. Factor analysis, with a varimax rotation was used to analyze the data. According factor analysis, of the 18 Problems, 17 items having appropriate factor loading were stand in 6 factors namely social mechanism, diplomatic mechanism, national idea, national support, social weapon & political weapon. Result showed that social mechanism factors had most important (%24.954 of variance) in explanation of positive reason of athletes entering to politics and social weapon had most important (%12.954 of variance) in explanation of negative reason of entering athletes to politics arena.

Keywords

politics; positive reason; negative reason; Athlete

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی دلایل مثبت و منفی ورود ورزشکاران به عرصه سیاست انجام گرفت. پژوهش از نوع توصیفی و از حیث جمع‌آوری اطلاعات پیمایشی بود. جامعه آماری تحقیق را ورزشکاران مستعد به عرصه سیاست تشکیل می‌داد (N=250)، به این ترتیب، ۱۵۴ ورزشکار که از شرایط فوق برخوردار بودند به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری داده‌ها دو پرسشنامه (۱۱ سوالی دلایل مثبت و ۷ سوالی دلایل منفی) محقق ساخته بود که روایی صوری و محتوایی ابزار توسط متخصصین مورد تأیید قرار گرفت و پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۷، ۰/۸۴ به ترتیب دلایل منفی و مثبت بدست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل عاملی با چرخش متعامد استفاده شد. براساس تحلیل عاملی از ۱۸ سوال دو پرسش‌نامه، ۱۷ سوال با داشتن بار عاملی مناسب در ۶ عامل ساز و کار اجتماعی، ساز و کار دیپلماتیک، تفکر ملی، حمایت ملی، سلاح اجتماعی و سلاح سیاسی قرار گرفتند. میزان اهمیت عامل‌ها از دیدگاه آزمودنی‌ها نشان داد، عامل ساز و کار اجتماعی به عنوان با اهمیت‌ترین عامل (۲۰/۵۶= درصد واریانس) دلایل مثبت ورود ورزشکاران به عرصه سیاست و عامل سلاح اجتماعی به عنوان با اهمیت‌ترین عامل (۴۳/۲۵= درصد واریانس) دلایل منفی ورود ورزشکاران به عرصه سیاست را تبیین می‌کند.

واژه‌های کلیدی

سیاست؛ دلایل مثبت؛ دلایل منفی؛ ورزشکار

* نویسنده مسئول: قاسم مهرابی

E-mail: gh.mehrabi@ut.ac.ir

*Corresponding Author: Ghasem Mehrabi

مقدمه

تمایل افکار عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی از یک سو و انعکاس گسترده وقایع ورزشی از طریق رسانه های جمعی از سوی دیگر باعث شده است که قلمرو ورزش و سیاست روز به روز به هم نزدیکتر شود، به طوری که دوری عرصه ورزش از دنیای سیاست و جدایی آن از بازی های سیاسی، دیگر امر ساده ای به نظر نمی رسد (جلالی فراهانی، ۱۳۹۳: ۵۶). ورزش به دلیل امتیازهایی که برای فرد برنده دارد حیطة رقابت و نزاع دیگری برای ملت ها و جوامع رغم زده و مشکل است که کسی مدعی شود ورزش ربطی به سیاست ندارد (ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۳۰۱). به گزارش فاضلی (۱۳۹۱) مهمترین کارکرد ورزش و به ویژه فوتبال بر سیاست، کنترل و جهت دهی به افکار عمومی، نشان دادن چهره ای کارآمد از دولت و در نهایت ملت سازی است. از سوی دیگر، فوتبال تنها مورد استفاده دولت های ملی نبوده بلکه گروه های اقلیت و اقوام نیز می کوشند تا از پتانسیل بالای این ورزش در جهت نشان دادن مخالفت خود با دولت ها و یا تقویت همگرایی قومی خود بهره بگیرند. نتایج پژوهش شاهین و همکاران^۱ (۲۰۱۰) نشان داد، ورزش باعث تقویت حس ملی، وحدت و یکپارچگی، غرور ملی، ملی گرایی و ادغام اقلیت ها می شود و سیاستمداران برای تقویت وحدت ملی و ادغام اقلیت ها از ورزش بهره می گیرند. لور^۲ (۱۹۸۳) در بررسی خود درباره تأثیر فوتبال بر وحدت اجتماعی به این نتیجه دست یافت که فوتبال در برزیل، برزیلی ها را با وجود فاصله طبقاتی موجود و محرومیت های اقتصادی و اجتماعی در کنار هم جمع می نماید (به نقل گودرزی، ۱۳۹۱: ۹۷). بالگو، برون، بوسر^۳ (۲۰۱۰) بیان کردند، رویدادهای بزرگ ورزشی، فرصت ارزشمندی برای جامعه میزبان و جوامع محلی جهت بهبود بازشناسی نام و افزایش اعتماد به نفس فراهم می آورد. ترویج ارزش های اجتماعی (اتحاد و همبستگی)، افزایش انگیزه، اعتماد به نفس، احساس شایستگی، عزت نفس، فراهم کردن تعاملات اجتماعی، سرگرمی و لذت، فرصت یادگیری ورزش ها، توسعه تجارب زندگی و عمیق تر شدن دوستی ها، یادگیری عوامل موثر بر شکست در موقعیت های مختلف، توسعه مهارت های زندگی را از اثرات ورزش می دانند (چن، اسنیدر، مگنر^۴، ۲۰۱۰، ص. ۱۷۹). از نظر قاسمی و کسکر (۱۱۳۹)، پابندی به قوانین و مقررات، همکاری با رهبران جامعه، نقش پذیری، احساس تعلق و وفاق ملی و پرکردن اوقات فراغت از دیگر دستاوردهای

سیاست داخلی ورزش است. احمدی پور، بویه و حسینی دماهی (۱۳۹۲) در پژوهشی به مفهوم ژئوپولیتیک ورزش پرداختند که نتایج آن در برگیرنده تقویت ملی گرایی، تقویت حس قلمروخواهی، توسعه جهانی شدن، تقویت هویت های دیگر ملی. رقابت های ورزشی محلی برای ژست های ژئوپولیتیک، انزوای ژئوپولیتیک، ارتقای منزلت ژئوپولیتیک، تقویت همگرایی و تضعیف واگرایی است، ورزش به عنوان عاملی اجتماعی کننده، ورزش به عنوان عاملی وحدت بخش، ورزش به عنوان محلی برای دگرگونی اجتماعی، ورزش به عنوان عامل ارتقای اخلاقی و امنیت اجتماعی، ورزش به عنوان جایگزین جنگ، ورزش به عنوان ابزار تبلیغی سیاستمداران، نئولبرالیسم و شیئی سازی ورزشکاران، ورزش به عنوان عاملی شادی بخش و غرور آفرین می باشد، الگوسازی ورزشی، توسعه حقوق بشر، تخلیه انرژی هیجانی مردم، قانع کردن مردم به عادلانه بودن نظم موجود، جانمایی برای مذهب، انحراف توجه مردم از موقعیت اجتماعی و توسعه جهانگردی ورزشی از دیگر کارکردهای ورزش است. در جمع بندی کلی می توان گفت، ورزش همواره جاذبه خاصی برای سیاستمداران داشته است. از این رو ورزش و ورزشکاران همواره مورد توجه دولت ها و سیاستمداران بوده که گاهی از آنها استفاده ابزاری شده است. تاریخ استفاده سیاسی از ورزش به پیش از وقوع جنگ های جهانی اول و دوم و اواخر قرن نوزدهم می رسد. سیاستمداران شوروی سابق از ورزش به عنوان ابزاری برای گسترش ایدئولوژی سوسیالیستی خود استفاده می کردند (اصغری، ۱۳۹۲: ۲۲). کشورهای فاشیستی در اسپانیا و ایتالیا نیز از ورزش برای تبلیغ ایدئولوژی سیاسی شان در قرن بیستم استفاده می کردند (بایل ول^۵، ۲۰۰۵: ۸۴) سیاستمداران جمهوری دومینیک، ورزش بیس بال که در این کشور رواج یافته را نماد سلطه سیاسی - اقتصادی ایالات متحده آمریکا بر این کشور می دانند (کلین^۶، ۱۹۸۹: ۱۱۲) سیاستمداران حزب نازی در بازیه های المپیک ۱۹۳۶ برلین علیه ورزشکاران یهودی و سیاه پوست تبعیض قائل شدند (کسلر^۷، ۲۰۱۱: ۱۲۵). در سال ۱۹۸۰ کشور شوروی سابق به دلیل و فشارهای سیاسی از کمیته ملی المپیک خود خواست از حضور تیم های ورزشی ایالات متحده آمریکا در بازی های المپیک مسکو جلوگیری نماید. در همان سال تیم های ورزشی کشورمان نیز به دلایل سیاسی در بازی های مسکو شرکت نکردند (کشاورز، فراهانی، ۱۳۸۸: ۵۰). نمونه های مذکور تاثیر سیاست بر ورزش را به وضوح نشان می دهد. از سوی دیگر،

5. Bainvel
6. Klein
7. Kessler

1. ahin etal.
2. Lour
3. Balogu, Brown & Busser
4. Chen, Snyder & Magner

ورزش فاصله زیاد ندارد. ورزش و ورزشکاران گاهی به صورت غیررسمی به عنوان تسریع کننده روابط میان دولت‌ها عمل می‌کنند. این امر نشان دهند کارکردهای فراوان ورزش و ورزشکار در زمینه مسائل سیاسی داخلی و بین‌المللی است (اصغری و همکاران، ۲۰۱۳: ۴۶۲). سن^۵ (۱۹۹۹) معتقد است، از نقاط مثبت حضور ورزشکار و ورزش در سیاست، دیپلماسی ورزشی است. دیگر یافته‌های نشان می‌دهد، ورزش نه تنها یک بازیگر اصلی در صحنه سیاست است، بلکه نقش بزرگی در آگاهی و تصمیم‌گیری‌های مردم بازی می‌کند؛ استفاده از ورزش به عنوان سلاح سیاسی، ساز و کار دیپلماتیک، سلاح اجتماعی از موارد مثبت استفاده از ورزش در عرصه سیاست می‌باشد (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۷)؛ اما تمام ورزشکارانی که وارد حوزه‌های مختلف سیاسی می‌شوند انگیزه و هدف یکسانی ندارند. کوون و سوتر^۶ (۱۹۹۷) بر این باورند که انگیزه‌ها و دلایل اصلی ورود افراد به عرصه سیاست، کسب ثروت، افزایش رفاه، تضمین شغل، تغییر جامعه و کسب شهرت می‌باشد. هاروی و همکاران^۵ (۲۰۰۷) سیاست سبب بوجود آمدن گروه‌ها و دسته‌های اجتماعی می‌شود. اصغری (۱۳۹۲) در بررسی دلایل و انگیزه‌های ورود قهرمانان ملی کشور (مطالعه موردی ورزش کشتی) به عرصه سیاست دریافت، کسب پست‌های بالاتر بیشترین انگیزه و کسب شهرت کمترین انگیزه را ایجاد می‌کند و در مورد علل ورود، وجود روابط بین‌المللی ورزشی بالاترین اهمیت و نیاز جامعه به دانش ورزشی کمترین اهمیت را در عوامل مداخله‌ای و تسهیل کننده دارد. شهابی^۶ (۱۹۹۵) در پژوهشی به بررسی سیاست و ورزش در ایران و غلامرضا تختی پرداخت و وی را فردی سیاسی و عامل بروز رفتارهای سیاسی در دوران پهلوی نشان داد که نقش وی تأثیر عمیقی بر سیاست کشور ایران در آن دوران داشته است. احسانی و نظری^۷ (۲۰۱۱) در پژوهشی به شرح زندگینامه جهان پهلوان تختی پرداخته و از او بعنوان اسطوره سیاسی نام می‌برند. رزاقی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود پوریای ولی و داستان زندگی وی و همچنین شکست وی در مقابل پهلوان هندی را نوعی سیاست از ابعاد مثبت قلمداد کردند. مرور پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که امروزه ورزش به طور اجتناب ناپذیری با سیاست پیوند خورده است و ورزشکاران به دلایل متفاوتی وارد عرصه سیاسی می‌شوند و سیاستمداران نیز با انگیزه‌های متفاوتی وارد حوزه ورزش می‌شوند و هرچند در این زمینه مطالعاتی صورت گرفته ولی کشور ایران دوره‌های پر فراز و نشیبی را از

قاسمی و کشکر (۱۳۹۱) معتقدند، مهمترین جاذبه ورزش برای سیاستمداران، شهرت و شناخته شدن در میان مردم و به خصوص قشر جوان و بهره‌برداری سیاسی از این شهرت است. یک نمونه خوب برای استفاده از ورزشکاران، رئیس جمهور سابق آمریکا بوش بود که عکس‌های زیادی را در زمان ریاست جمهوری خود با ورزشکاران تراز اول می‌گرفت. زیدان قهرمان ملی فرانسه است که شیراک رئیس جمهور سابق این کشور به استقبالش می‌رود، مارادونا قهرمان آرژانتین است و رهبران آمریکای لاتین از ایستادن در کنار او لذت می‌برند و فیدل کاسرو رهبر کوبا با مارادونا رفاقتی دیرینه دارد. دیوید بکهام ستاره سابق منچستر یونایتد نیز، در دهه اول قرن بیست و یکم بعد رسانه وسیعی داشت. به طوریکه سیاستمداران انگلیسی تمایل زیادی داشتند تا با او عکس یادگاری بگیرند و با این کار به دنبال صحنه‌گذاری و تأیید خود بودند؛ اما ملکوتیان (۱۳۸۸) در پژوهشی خود دریافت، رابطه ورزش و سیاست یک رابطه دوطرفه است، به گونه‌ای که از یک طرف سیاست از طریق تدوین و اجرای راهبرد ورزشی بر ورزش تأثیرگذار است و از طرف دیگر ورزش از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی بر سیاست تأثیر دارد. قهرمانان ورزشی در سطوح مختلف معمولاً مورد تأیید و علاقه مردم هستند. بسیاری دوست دارند آنها را به عنوان الگوی خود انتخاب نمایند. به عنوان مثال، بعضی از ورزشکاران و مربیان سابق در ایالات متحده با حمایت سیاسی سیاستمداران وارد کنگره و مجلس سنا شدند تا بعداً از اهداف و طرح‌های این سیاستمداران حمایت و پشتیبانی کنند. یک مثال خوب در این مورد انتخاب آرنورد شوانزنیگر به عنوان فرماندار کالیفرنیا بود (مسنر^۱، ۲۰۰۷: ۴۶۱). در همین رابطه سالارز^۲ (۲۰۰۸) بیان می‌کند، تقابل و تعامل عرصه سیاست و ورزش، ورزش را تبدیل به یک جایگاه ویژه‌ای کرده است که بازیگران عرصه آن دیگر صرفاً یک چهره ورزشی نیستند و همواره مورد استفاده سیاستمداران قرار می‌گیرند برای مثال، مارادونا نمونه خوبی برای این نوع از استفاده توسط سیاستمداران آرژانتینی می‌باشد. پله در برزیل اسطوره‌ای است که سیاستمداران برای کسب قدرت همیشه برآند که او را وزیر خود بخوانند و چیلانورت افسانه‌ای در پاراگوئه تا مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۶ در پاراگوئه پیش می‌آید و کاسپاروف، شطرنج باز روسی، در حوزه سیاست رقیب انتخاباتی پوتین می‌شود و قهرمانانه نشان می‌دهد که دنیای سیاست با

5. Harvey et al.
6. Chehabi
7. Ehsani & Nazari

1. Messner
2. Salazar
3. Senn
4. Cowen & Sutter

پرسش‌نامه، ارتباط سؤال‌ها با گزینه‌ها و هماهنگی سؤال‌ها با اهداف تحقیق قرار گرفت و نظر آنها در ابزار اعمال شد. در نهایت دو پرسش‌نامه برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق طراحی شد که ۱۱ سؤال دلایل مثبت و ۷ سؤال دلایل منفی را اندازه‌گیری می‌کرد. به منظور سنجش پایایی ابزار از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که به ترتیب مقدار ۰/۸۷ و ۰/۸۴ بدست آمد. جامعه آماری تحقیق را ورزشکاران سیاسی تشکیل می‌داد که به دلیل ماهیت پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی ۲۵۰ ورزشکاران مستعد (منظور ورزشکارانی که در حوزه سیاست حضور خود را نشان داده و عملکرد سیاسی در ورزش داشته‌اند) در عرصه سیاست در رشته‌های مختلف ورزشی کشتی، قایق‌رانی، تکواندو، پینگ‌پنگ، کاراته، شتا، دوویدانی و اسکی شناسایی شدند که پس از تهیه فهرست کامل آنها (N=۲۵۰)، با استفاده از جدول مورگان ۱۵۴ نفر بعنوان نمونه انتخاب شدند و نسبت به جمع‌آوری داده از آنها اقدام شد. از روش‌های آمار توصیفی برای بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و برای شناسایی عامل‌های موثر بر ورود ورزشکاران به عرصه سیاست و روایی ساختاری ابزار تحقیق از روش تحلیل عاملی اکتشافی^۱ با چرخش متعامد^۲ استفاده شد. از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ برای تحلیل عاملی اکتشافی به منظور استخراج عامل‌ها، به دست آوردن بارهای عاملی استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

نشان می‌دهد.

نظر سیاسی طی کرده است که می‌تواند بر انگیزه ورود افراد به عرصه‌های مختلف تاثیر گذار باشد و از سوی دیگر پاره‌ای از این بررسی‌ها مثلاً مطالعه رزاقی و همکاران (۱۳۹۲) و شهبایی (۱۹۹۵)، بصورت مروری انجام گرفته است. لذا در این تحقیق سعی شده در مرحله اول با انجام مطالعات کتابخانه‌ای گسترده فهرست نسبتاً جامع‌ای از دلایل مثبت و منفی ورود ورزشکاران به عرصه سیاست فراهم شود و در مرحله بعد از تکنیک مصاحبه که روشی کیفی و متفاوت با مطالعات قبلی است به منظور شناسایی انگیزه‌ها استفاده شود.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی است که به صورت میدانی به اجرا در آمده است. در این تحقیق از پرسش‌نامه محقق ساخته برای اندازه‌گیری متغیر تحقیق استفاده شد. به دلیل نبود پرسش‌نامه مرتبط با موضوع پژوهش، در مرحله اول محقق با بررسی مبانی نظری شامل استفاده از کتب دانشگاهی، مقالات متعدد علمی و مصاحبه با صاحب‌نظران (ورزشکاران سیاسی و اساتید دانشگاهی حاضر در سیاست) فهرستی از مهم‌ترین دلایل مثبت و منفی ورود ورزشکاران به عرصه‌های سیاسی کشور تهیه شد. پس از استخراج سؤالات، پرسش‌نامه در اختیار ۱۰ نفر از صاحب‌نظران مدیریت ورزشی قرار گرفت و نظرات تخصصی آنها درباره چگونگی نگارش سؤال‌ها، تعداد سؤال‌ها، محتوای جدول شماره ۱. یافته‌های بخش کیفی تحقیق که نتیجه مصاحبه هدفمند با خبرگان بوده و اشباع نظری را دربرداشته

جدول ۱. نتایج بخش کیفی تحقیق (مصاحبه با خبرگان)

ردیف	دلایل مثبت	ردیف	دلایل منفی
۱	جهت دهی افکار عمومی به سمت ورزش	۱	کسب وجهه خوب در جامعه
۲	ایجاد روحیه جوانمردی	۲	کسب شهرت
۳	مسئولیت اجتماعی	۳	کسب پست‌های بالاتر
۴	بهبود روابط بین‌المللی حکومت	۴	کسب قدرت سیاسی
۵	ساخت هویت ملی، ادغام اقلیت‌ها و تشویق ملی‌گرایی	۵	منافع مالی
۶	تاثیر گذاری در عرصه تصمیم‌گیری کلان	۶	در اوج بودن بعد از دوره قهرمانی
۷	حمایت از حکومت	۷	برانگیختن و تحریک دیگران
۸	پیشبرد ورزش		
۹	تشکیل انجمن‌های سیاسی - ورزشی (فعال) و نفوذ در بین نوجوانان و جوانان		
۱۰	علاقه به سرنوشت کشور		
۱۱	علاقه به تصمیمات کشوری		

قبل از اجرای تحلیل عاملی برای تعیین کافی بودن میزان نمونه از معیار KMO استفاده شد. جدول ۲. نتایج آزمون کفایت نمونه‌گیری دلایل مثبت و منفی

آزمون کفایت نمونه‌گیری		آماره‌ها	
آزمون کفایت نمونه- گیری	آماره‌ها	آزمون کفایت نمونه- گیری	آماره‌ها
آزمون کفایت نمونه‌گیری	۰/۷۱۹	آزمون کفایت نمونه‌گیری	۰/۷۵۶
آزمون کفایت نمونه‌گیری	X2	آزمون کفایت نمونه‌گیری	X2
آزمون کفایت نمونه‌گیری	۳۱۶/۳۴۸	آزمون کفایت نمونه‌گیری	۲۱۸/۱۶۳
آزمون کفایت نمونه‌گیری	df	آزمون کفایت نمونه‌گیری	df
آزمون کفایت نمونه‌گیری	۵۵	آزمون کفایت نمونه‌گیری	۱۵
آزمون کفایت نمونه‌گیری	Sig	آزمون کفایت نمونه‌گیری	Sig
آزمون کفایت نمونه‌گیری	۰/۰۰۱	آزمون کفایت نمونه‌گیری	۰/۰۰۱

برای انجام تحلیل عاملی در این مطالعه تأمین شده است. برای جداسازی عامل‌ها بصورت روشن‌تر و نام‌گذاری عامل‌ها بر اساس مبانی نظری از چرخش عاملی به روش متعامد استفاده شد و گویه‌های که بار عاملی آنها کمتر از معیار مینا (۰/۵۰) بود از لیست گزارش حذف گردید.

همانطور که جدول شماره ۳. نشان می‌دهد، مقادیر KMO، دلایل مثبت و منفی برای کفایت نمونه‌گیری به ترتیب میزان ۰/۷۱۹ و ۰/۷۵۶ می‌باشد که نشان می‌دهد حجم نمونه برای تحلیل عاملی مناسب می‌باشد. همچنین نتایج آزمون بارتلت، نیز به ترتیب میزان ۳۱۶/۳۴۸ و ۲۱۸/۱۶۳ محاسبه گردید که نشان می‌دهد بین گویه‌ها همبستگی لازم وجود دارد و شرایط لازم

جدول ۳. عامل‌ها، گویه‌های شناسایی شده، بار عاملی (دلایل مثبت)

عامل‌ها	گویه‌ها
سازکار و اجتماعی	جهت دهی افکار عمومی به سمت ورزش
سازکار و اجتماعی	ایجاد روحیه جوانمردی
سازکار و اجتماعی	مسئولیت اجتماعی
سازکار و اجتماعی	بهبود روابط بین المللی حکومت
سازکار و اجتماعی	ساخت هویت ملی، ادغام اقلیت‌ها و تشویق ملی‌گرایی
سازکار و اجتماعی	تاثیر گذاری در عرصه تصمیم‌گیری کلان
سازکار و اجتماعی	حمایت از حکومت
سازکار و اجتماعی	پیشبرد ورزش
سازکار و اجتماعی	تشکیل انجمن‌های سیاسی ورزشی (فعال) و نفوذ در بین نوجوانان و جوانان
سازکار و اجتماعی	علاقه به سرنوشت کشور
سازکار و اجتماعی	علاقه به تصمیمات کشوری

"روحیه جوانمردی"، "بیشترین واریانس ساز و کار دیپلماتیک را متغیر "بهبود روابط بین المللی حکومت"، "بیشترین واریانس عامل تفکر ملی را متغیر "حمایت از دولت" و "بیشترین واریانس عامل حمایت ملی را متغیر "علاقه به تصمیمات کشوری" تبیین می‌کند.

همانطور که جدول شماره ۳. نشان می‌دهد، گویه‌های مربوط به هریک از عوامل روی عامل مربوطه دارای بار عاملی بزرگتر و یا مساوی با ۰/۵۰ می‌باشد که نسبت به معیار مینای در نظر گرفته شده (۰/۵) از جایگاه مطلوب برخوردارند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، بیشترین واریانس عامل ساز و کار اجتماعی را متغیر

جدول ۴. عوامل موجود و مولفه های هر عامل همراه با وزن عاملی (دلایل منفی)

عوامل ها		گویه‌ها
سلاح سیاسی	سلاح اجتماعی	کسب وجهه خوب در جامعه
		کسب شهرت
		کسب پست های بالاتر
		کسب قدرت سیاسی
		منافع مالی
		در اوج بودن بعد از دوره قهرمانی

که از گزارش حذف شد. می‌توان نتیجه گرفت، بیشترین واریانس عامل سلاح اجتماعی را متغیر "کسب شهرت" و بیشترین واریانس سلاح سیاسی را متغیر "منافع مالی" تبیین می‌کند.

همانطور که جدول شماره ۴. نشان می‌دهد، از ۷ گویه‌های مربوط به هریک از عامل ها ۶ مورد دارای بار عاملی بزرگتر و یا مساوی با ۰/۵۰ می‌باشد که نسبت به معیار مبنای در نظر گرفته شده (۰/۵) از جایگاه مطلوب برخوردارند و فقط ۱ مورد «برانگیختن و تحریک دیگران» بار عاملی کمتر معیار مبنا بود

جدول ۵. درصد واریانس تبیین شده در تحلیل عاملی برای دسته بندی دلایل مثبت

عامل	چرخش مجموع مجذورات بارها			استخراج مجموع مجذورات بارها		
	درصد	درصد از واریانس	جمع کل	درصد	درصد از واریانس	جمع کل
۱	۲۰/۶۵۱	۲۰/۶۵۱	۲/۲۷۲	۲۷/۶۷۰	۲۷/۶۷۰	۳/۰۴۴
۲	۴۰/۸۴۶	۲۰/۱۹۵	۲/۲۲۱	۴۱/۹۶۹	۱۴/۲۹۹	۱/۵۷۳
۳	۵۱/۶۵۳	۱۰/۸۰۶	۱/۱۸۹	۵۲/۰۷۲	۱۰/۱۰۳	۱/۱۱۱
۴	۶۱/۷۷۲	۱۰/۱۰۰	۱/۱۱۳	۶۱/۷۷۲	۹/۷۰۰	۱/۰۶۷

درصد، عامل چهارم ۱۰/۱۰ درصد از واریانس کل آزمون و ۴ عامل در مجموع ۶۱/۷۷۲ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند.

همانطور که در جدول شماره ۵. نشان می‌دهد، عامل اول ۲۰/۶۵ درصد، عامل دوم ۲۰/۱۹ درصد، عامل سوم ۱۰/۸۰

جدول ۶. درصد واریانس تبیین شده در تحلیل عاملی برای دسته بندی دلایل منفی

عامل	چرخش مجموع مجذورات بارها			استخراج مجموع مجذورات بارها		
	درصد	درصد از واریانس	جمع کل	درصد	درصد از واریانس	جمع کل
۱	۴۳/۲۴۹	۴۳/۲۴۹	۲/۵۹۵	۴۵/۱۵۹	۴۵/۱۵۹	۲/۲۷۰
۲	۶۱/۸۹۲	۱۸/۶۴۳	۱/۱۱۹	۶۱/۸۹۲	۱۶/۷۳۳	۱/۰۰۴

۲ عامل در مجموع ۶۱/۸۹۲ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند.

همانطور که در جدول شماره ۴. نشان می‌دهد، عامل اول ۴۳/۲۴ درصد، عامل دوم ۱۸/۶۳ درصد از واریانس کل آزمون و

بحث و نتیجه‌گیری

حضور سیاست در ورزش همانند شمشیر، دو لبه دارد، هم می‌تواند ببرد و خونی را بریزد و منفی تلقی شود و هم می‌تواند دری را بگشاید و نقش مثبتی را ایجاد کند (ملکوتیان، ۱۳۸۸). نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ساز و کار اجتماعی، ساز و کار دیپلماتیک، تفکر ملی و حمایت ملی از جمله عوامل ورود ورزشکاران به عرصه سیاست در بعد مثبت آن است و همچنین بیشترین واریانس عامل ساز و کار اجتماعی را متغیر روحیه جوانمردی، ساز و کار دیپلماتیک را متغیر بهبود روابط بین‌المللی حکومت، تفکر ملی را متغیر حمایت از دولت و حمایت ملی را متغیر علاقه به تصمیمات کشوری تبیین می‌کنند. دلایل ورود ورزشکاران در عامل ساز و کار اجتماعی از جمله جهت‌دهی افکار عمومی به سمت ورزش، ایجاد روحیه جوانمردی، مسئولیت اجتماعی است که این نتایج در گستره زمان در عملکرد بزرگانی چون جهان پهلوان تختی، پوریای ولی مشهود بوده است که خود جوانمردانه سیاسی بودند (احسانی و نظری، ۲۰۱۱؛ ززاقی ۱۳۹۲؛ شهبابی، ۱۹۹۵). حضور ورزشکاران در عرصه ورزش در بعد سیاسی سبب جهت‌گیری افکار عمومی می‌شود. برای مثال وحدت اجتماعی برزیلی‌هایی عاشق فوتبال که با فاصله طبقاتی زیاد به سوی ورزش فوتبال روانه می‌شدند و نقش بزرگی که سیاست در آگاهی و تصمیم مردم ایجاد می‌کند نقاطی حمایت‌کننده بر این مقوله هستند (لور، ۱۹۸۳؛ بایل‌ول، ۲۰۰۵؛ فاضلی، ۱۳۹۱). پذیرفتن مسئولیت اجتماعی از جمله علل ورود ورزشکاران به عرصه سیاست در ابعاد مثبت است که نتایج پژوهش احمدی‌پور و همکاران بر این مقوله صحنه می‌گذارد. در واقع آنها، ورزش را به عنوان محملی برای دگرگونی اجتماعی، ورزش را به عنوان عامل ارتقای اخلاقی و امنیت اجتماعی می‌دانند که موارد فوق دستیابی به مسئولیت اجتماعی را برای ورزشکاران به همراه خواهد داشت. یکی دیگر از عوامل ورود ورزشکاران به عرصه سیاست در بعد مثبت خود ساز و کار دیپلماتیک است که بهبود روابط بین‌المللی حکومت، ساخت هویت ملی، ادغام اقلیت‌ها و تشویق ملی‌گرایی و تأثیرگذاری در عرصه تصمیم‌گیری کلان را در بر می‌گیرد. در بعد روابط بین‌المللی حکومت که نقطه ورود ورزشکاران به عرصه سیاست است نقش ورزش و ورزشکاران گاهی به صورت غیررسمی به عنوان تسریع‌کننده در ایجاد رابطه میان دولت‌ها معرفی می‌شود. این امر نشان‌دهنده کارکردهای فراوان ورزش و ورزشکار در زمینه مسائل سیاست داخلی و بین‌المللی است (اصغری و همکاران،

۲۰۱۳). در این راستا، کمیته بین‌المللی المپیک از ورزشکاران انتظار دارد تا خودشان را به عنوان نهادهای بین‌المللی ارائه دهند. اکثر کشورهایی که میزبانی بازیهای المپیک را بر عهده گرفته‌اند از این فرصت‌ها بخوبی استفاده نموده‌اند که این نشان می‌دهد، در حوزه بین‌الملل ورزشکاران نجات بخش مسائل دیپلماتیک کشورها می‌شوند. (جلالی فراهانی، ۱۳۹۳: ۵۸). ساخت هویت ملی، ادغام اقلیت‌ها و تشویق ملی‌گرایی در بعدی دیگر می‌تواند بر ورود ورزشکاران تأثیر بسزایی بگذارد. در این راستا، تنها دولت‌ها از ورزش استفاده ملی نمی‌برند بلکه گروه‌های اقلیت و اقوام نیز می‌کوشند تا از پتانسیل بالای این ورزش در جهت نشان دادن مخالفت خود با دولت‌ها و یا تقویت همگرایی قومی خود بهره بگیرند (فاضلی، ۱۳۹۱). یافته‌های شامین و همکاران نیز (۲۰۱۰) این امر را تأیید می‌کند. نتایج تحقیق امان^۱ (۲۰۰۵) نشان داد احزاب سیاسی در نیوزلند و مالزی از ورزش جهت شکل‌دهی افکار عمومی در کشورشان استفاده کرده‌اند. نتایج تحقیق کوخ^۲ (۲۰۰۷) نشان داد، دولت کانادا از ورزشکاران المپیک کشورش انتظار دارد تا الهام بخش، نماینده فرهنگی و نقش‌الگویی برای ملتشان باشند. در کشور مالزی احزاب سیاسی و سیاستمداران حکومتی تلاش کردند تا یک هویت ملی و اسلامی را از طریق ورزش شکل دهند. کمیته بین‌المللی المپیک نیز خواستار این است که ورزشکاران روح المپیزم و صلح جهان را به اجرا در بیاورند (جلالی فراهانی، ۱۳۹۳: ۵۸). در مورد دیگر تأثیرگذاری در عرصه تصمیم‌گیری کلان نیز مطرح است که سیاست‌مداران بزرگ به دنبال استفاده از ورزشکاران مطرح به دنبال دستیابی به اهداف کلان خود می‌نگرند (مسرن، ۲۰۰۷؛ سالازر، ۲۰۰۸). آدولف هیتلر در بازیهای المپیک ۱۹۶۳ برلین نشان‌دهنده برتری نژاد سفید و آلمانی هزینه‌های زیادی را صرف آموزش و تمرین ورزشکاران کرد. به طوریکه در بازیهای المپیک ۱۹۳۶ با کسب ۸۹ مدال و با ۲۳ مدال بیشتر از ایالات متحده در جایگاه اول قرار گرفت (جلالی فراهانی، ۱۳۹۳: ۵۸). هیل^۳ (۲۰۰۳) در تحقیقی تحت عنوان "ورزش و سیاست" به بررسی رویکرد تاریخی و اجتماعی رابطه ورزش و سیاست پرداخته است. او بیان می‌دارد که به خاطر ویژگی‌های جذاب ورزش از دوران باستان، افراد حکومت از ورزش برای نمایش قدرت خود استفاده می‌کردند. یکی از عوامل‌های دیگر تفکر ملی دربرگیرنده حمایت از حکومت، پیشبرد ورزش و تشکیل انجمن‌های سیاسی- ورزشی (فعال) و نفوذ در بین نوجوانان و جوانان است و در بعدی دیگر حمایت ملی شامل

ایالات متحده در زمان برگزاری انتخابات برای وجهه شان به تبلیغ کاندیدای مورد نظر خود می‌پردازند. یک مثال خوب در این مورد، تبلیغ جسی ونترا: کشتی گیر حرفه‌ای سابق بود که برای تبلیغ در انتخابات ۲۰۰۰ ریاست جمهوری در سال ۱۹۹۸ به عنوان فرماندار مینه‌سوتا انتخاب شده بود (منسر، ۲۰۰۷). به صورت جامع می‌توان اینگونه به این جمع‌بندی دست یافت، سیاست لبه تیغی است که ورزشکاران در لبه آن راه می‌روند، بهره‌گیری سیاسیون از پتانسیل‌های ورزشکاران به عنوان دستیابی به اهداف خود مقوله‌ای است که قابل چشم‌پوشی نیست. ورود ورزشکاران به عرصه سیاست گذر از خط قرمز و یا سبز است این که ورزشکاران باید به این مقوله آگاه باشند و آن را بدانند مسأله‌ای حیاتی است. چه بسا ورزشکاری که ارزش‌های خود را بر مبنای جوانمردی بنا نهد و فکر و ذهنشان به سوی بهبود روابط بین‌الملل بین کشورها، حمایت از دولت و نشان دادن علاقه واقعی به تصمیمات کشوری باشد تا کسب یک وجهه خوب یا کسب منافع سیاسی شخصی. البته باور عمومی بر این است، زمانی که افراد درباره انگیزه شان برای اخذ پست سیاسی صحبت می‌کنند، آنها کمتر علائق شخصی شان را بیان می‌کنند، مثل تمایل برای کسب قدرت، وجهه و پاداش، در عوض انگیزه خود را خدمت گذاری به مردم، تعهدی که به علائق ملی دارند و حس شدید مسئولیت پذیری ذکر می‌کنند (جلالی فراهانی، ۱۳۹۳: ۶۴).

علاقه به سرنوشت کشور و علاقه به تصمیمات کشوری است؛ در این رابطه پایبندی به قوانین و مقررات، همکاری با رهبران جامعه، نقش پذیری، احساس تعلق و وفای ملی و پرکردن اوقات فراغت از دیگر دستاوردهای سیاست داخلی ورزش است (قاسمی و کشر، ۱۳۹۱). همچنین هارتمن و بروکز^۱ (۲۰۰۶) پیشنهاد می‌کنند که برای مؤثر بودن و کارآمد بودن برنامه‌ها و طرح‌های ورزش از جانب دولت بهتر است این برنامه‌های حمایت از ورزش با دیگر تلاش‌ها برای کاهش میزان جرم‌ها همراه باشد. هاروی و همکاران (۲۰۰۷) سیاست سبب بوجود آمدن گروه‌ها و دسته‌های اجتماعی می‌شود که فضای ورزش، نشاط و شادی خاصی را به جامعه منتقل می‌کند که این موارد از این مقوله در ورود ورزشکاران نیز حمایت می‌کند. در بعد منفی ورود ورزشکاران به عرصه سیاست می‌توان به عامل سلاح اجتماعی و سلاح سیاسی اشاره کرد. بعد سلاح اجتماعی، کسب وجهه خوب در جامعه، کسب شهرت و کسب پست‌های بالاتر را در بر می‌گیرند و بعد سلاح سیاسی نیز کسب قدرت سیاسی، منافع مالی و در اوج بودن بعد از دوره قهرمانی را در بر می‌گیرند و بیشترین واریانس عامل سلاح اجتماعی را متغیر کسب شهرت و بیشترین واریانس عامل سلاح سیاسی را متغیر منافع مالی تبیین می‌کند. در این رابطه کوون (۱۹۹۷) انگیزه‌ها و دلایل اصلی ورود افراد به عرصه سیاست را کسب ثروت، افزایش رفاه، تضمین شغل، تغییر جامعه و کسب شهرت بیان می‌کند. بعضی از ورزشکاران و مربیان در

منابع

- احمدی پور، زهرا، جنیدی، رضا، بویه، چمران، حسینی دماهی، سید سادات (۱۳۹۲). «مفهوم‌سازی ژئوپلیتیک ورزش». فصلنامه ژئوپلیتیک، ۲ (۹)، ۱-۴۸.
- اصغری، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی دلایل و انگیزه های ورود قهرمانان ورزش ملی به عرصه سیاست در کشور ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات مازندران.
- جلالی فراهانی، مجید (۱۳۹۳). «بررسی سوابق تحصیلی، سیاسی و ورزشی مدیران ارشد ورزش ایران و کشورهای منتخب». مطالعات مبانی مدیریت در ورزش، ۱ (۴)، ۵۵-۶۶.
- رزاقی، محمد ابراهیم، ستوده، محمد صابر، افراش، مریم، رزاقی، جمیله (۱۳۹۲). «سیری تاریخی بر کلاس پهلوانی و درسی اخلاقی از استاد محمود قتالی خوارزمی (پهلوان پوریای‌ولی)». مدیریت و فیزیولوژی ورزشی شمال، ۱، ۳۹-۴۸.
- فاضلی، حبیب الله (۱۳۹۱). «ورزش و سیاست هویت». پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۲ (۷)، ۱۵۱-۱۷۴.
- قاسمی، حمید، کشر، سارا (۱۳۹۱). مبانی اجتماعی فرهنگی ورزش. تهران، انتشارات نشر ورزش، چاپ اول، ۱۲۳-۱۴۱.
- کشاورز، لقمان، فراهانی، ابوالفضل (۱۳۸۸). مدیریت سازمان های ورزشی. تهران، انتشارات اندیشه های حقوقی، چاپ اول، ۴۹-۵۱.
- گودرزی، محمود، اسدی، حسن، خبیری، محمد و دوستی، مرتضی (۱۳۹۱). سیاست و ورزش. ساری، انتشارات موج قلم، چاپ اول، ۹۷-۹۹.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۸). «ورزش و سیاست». فصلنامه سیاست، ۲ (۲۹)، ۳۰۱-۳۱۶.

- Aman, MS., (2005). Leisure policy in New Zealand and Malaysia: A comparative study of developments in sport and physical recreation. Unpublished PhD Thesis. Lincoln University, Canterbury, New Zealand.
- Asghari, F., Dousti, M., Moosavi, SJ., (2013). Review of the reasons and motives of national sports heroes to enter the realm of politics in Iran Case Study: Wrestling Sport. *International Journal of Sport Studies*, 3 (8), 865-871.
- Bainvel, S., (2005). Sport and Politics: A study of the relationship between International Politics, Publication type. Student thesis. Permanent link: <http://urn.kb.se/resolve>.
- Balogu, S., Brown, C., Busser, A., (2010). Sport tourists in a gaming destination: Predicting gaming and non-gaming expenditures. *UNLV Gaming Research & Review Journal*, (2), 59-68.
- Chehabia, HE., (2007). Sport diplomacy between the United States and Iran .Published online: 19 Oct 2007 London V(12)ISSUE (1), 89-106.
- Chehabi, HE., (1995). Sport and politics in Iran: the legend of Gholamreza Takhti. *The international journal of History of Sport*, 12(3), 48-60.
- Chen, S., Snyder, Sh., Magner, M., (2010). The Effects of Sport Participation on Student-Athletes' and Non-Athlete Students' Social Life and Identity. *Journal of Issues in Intercollegiate Athletics*, 3, 176-193.
- Cowen, T., Sutter, D., (1997). Politics and the Pursuit of Fame. *Public Choice*, 93,19-35
- Ehsani, M., Nazari, R., (2011). The study of social, political, ethical, and athletic aspects of Qolam Reza Takhti's life. *Asian Social Science*, 7 (7),153-58.
- Harvey, J., Lévesque, M., Donnelly, P., (2007). Sport volunteerism and social capital. *Sociology of Sport Journal*, 24, 206-217.
- 20.Hartmann D, Brooks D (2006) Rethinking sportbased community crime prevention: a preliminary analysis of the relationship between midnight basketball and urban crime rates. *Journal of sport and social issues* 30(2),180-196.
- 21.Hill, J. (2003). 'British Sports History: A Post-Modern Future?'. *Journal of Sports History*, 23(1), 1-19.
- Kessler, M., (2011). Only Nazi Games? Berlin 1936: The Olympic Games between Sports and Politics. *Socialism and Democracy*, 25(2), 125-143.
- Klein, AM., (1989). Baseball as underdevelopment: the political-economy of sport in the Dominican Republic. *Sociology of Sport Journal*, 6(2), 95-112.
- 24.Kohler-Koch, B. (2007). Political representation and civil society in the EU. Paper presented at the CONNEX Thematic Conference on Political Representation. Florence, European University Institute, 25-26 May 2007.
- Messner, MA., (2007). The masculinity of the governor: Muscle and compassion in American politics. *Gender & society*, 21, 461-480.
- ahin, MY., Yenel, F., Çolako lu, T., (2010). Sport and nationalism interaction: sports' place and importance creating national identity. *International Journal of Human Sciences*, 7, 1244-1263.
- Salazar-Sutil, N., (2008). Maradona Inc: Performance politics of the pich." *International Journal of Cultural Studies*, 11(4), 441-458.
- Senn, EA., (1999). power politics and the olympic games: A History of the Power Brokers, Events, and Controversies that Shaped the Games, Edition illustrated, Publisher Human Kinetics, 315-317.